



مجید یوسفی
بازیگر:

کاراکترها ناخودآگاه در زندگی شخصی‌ام تأثیر می‌گذارند

اگر نقشی به شما پیشنهاد شود و نتوانید آن را درک کنید یا حداقل رفتارهایش را برای خود توجیه کنید، آیا آن را می‌پذیرید و بازی می‌کنید؟

بستگی دارد مثلاً گاهی می‌دانید که در مسیر اجرا می‌توانید رفتارهای آن نقش را پیدا کنید و در این صورت این چالشی جذاب است؛ اما تاکنون چنین موقعیتی برایم پیش نیامده که رفتار نقشی را درک نکنم چرا که آدم‌های مختلفی را در اطرافم دیده‌ام و فکر می‌کنم انسان‌ها در شرایط مختلف کارهایی انجام می‌دهند که شاید معقول یا از نظر دیگران قابل درک نباشد، اما برای خود آن فرد دلیلی دارد که آن کار را انجام می‌دهد به همین دلیل تلاش می‌کنم دلیل انجام آن رفتار را پیدا کنم. چون خودم هم این‌گونه هستم؛ گاهی کارهایی می‌کنم که شاید برای دیگران عجیب باشد.

در نمایش نیز یک نمونه رفتاری مشابه می‌بینیم، جایی که شما هودی را روی سرتان می‌کشید و انگار در لاک خود فرو می‌روید.

بله کاراکتر در آن لحظه مثل کسی است که وارد محوطه‌ای نامعلوم شده و نمی‌تواند حرفش را به درستی برساند. انگار تنها راهی که مانده برخورد فیزیکی است و او برای فرار از این رفتار تنها چیزی که دارد، همان لباسش است که به آن چنگ می‌زند. من این حالت را از رفتار شخصی دیگر الهام گرفته‌ام؛ البته آن شخص هودی نداشت اما من اینجا هودی دارم که می‌توانم از آن بهره بگیرم.

کاراکتر احمد را متعلق به چه طبقه اجتماعی و با چه پیشینه‌ای تصور کردید؟

وقتی متن را خواندم، تصور این بود که او از طبقه متوسط است. ما معمولاً می‌گوییم این افراد متعلق به طبقه مالی خیلی پایین یا خیلی بالا نیستند، بلکه احتمالاً متوسط‌اند و این رفتارها بیشتر در طبقه متوسط دیده می‌شود، اما الزاماً این‌طور نیست. ماحتمالاً ممکن است در طبقات بالاتر، رفتارها و برخوردهایی حتی بدتر هم ببینیم. من فکر می‌کنم که ما همیشه تمایل داریم رفتارهای اشتباه را به طبقات پایین‌تر نسبت دهیم، چه از لحاظ اجتماعی و چه مالی؛ اما این درست نیست. در تمام سطوح اجتماعی و مالی، این اتفاق‌ها ممکن است رخ دهد؛ چه در خانواده‌های تحصیل کرده و چه در خانواده‌هایی با تحصیلات کمتر؛ به طور کلی، نمی‌توانیم این رفتارها را صرفاً به یک طبقه خاص نسبت دهیم. متأسفانه در بسیاری از آثار، این نقصان وجود دارد که رفتارهای اشتباه را به طبقات پایین نسبت می‌دهند. یکی از جذابیت‌های متن آقای کاهانی برای من این بود که ما کاراکتر یوسف را داریم که نماینده‌ای از نسل جوان‌تر و نوجوانان و جوانان دهه هشتاد است؛ همین‌طور کاراکتر شیرین را که نمادی از زنان و مسائل آنان است و فکر می‌کنم همه این کاراکترها و داستان‌شان به خوبی کنار هم چیده شده و نماد بخش‌های مختلفی از جامعه ایران هستند.

آیا احمد برای کشف حقیقت به نوعی وارد یک بازی در بازی می‌شود؟

بله دقیقاً همین‌طور است و احمد آمده که قصه‌ای بگوید و به نوعی احمد از ابتدا با خانواده بازی می‌کند، اما چند درصد ناچیز احتمال می‌دهد که شاید این خودش است که اشتباه می‌کند هرچند که کفه ترازوی تشخیص او به اطمینان ۹۵ درصدی اش سنگینی می‌کند. بنابراین با این بازی و سوالات می‌خواهد مطمئن شود، اما قلباً دوست دارد که اشتباه کرده باشد. اگر چنین نبود، از همان ابتدا همه چیز خراب می‌شد.

با توجه به اینکه تاکنون در آثار تلویزیونی، سریال‌ها و فیلم‌های مختلف حضور داشتید، آیا اساساً بازی



می‌افتاد، فقط در این اثر رخ داده است.

آیا این اثر تلنگری به دغدغه‌های خود شما نیز می‌زند؟

بله یکی از دغدغه اصلی من خانواده است؛ پنهان کاری‌هایی که اعضای خانواده از یکدیگر دارند، توانایی کمک به یکدیگر را از آنها می‌گیرد و این مسأله‌ای است که این روزها در خانواده‌ها بیشتر دیده می‌شود؛ روابط سرد و فاصله گرفتن خواهر و برادرها از یکدیگر که در این نمایش تلاش داریم به گونه‌ای این روابط را نشان دهیم هرچند که نمی‌توان همه آن‌ها به طور کامل به تصویر کشید. برای من این نمایشنامه جایگاه ویژه‌ای دارد و فکر می‌کنم حتی در کارهای آینده هم این اهمیت را حفظ خواهد کرد. اگر بخواهم خلاصه کنم، این نمایش به درد همه ما می‌خورد.

بازیگر حسین باز تولید یک نمایش چه روندی را طی می‌کند؟ آیا چیزی به نقش اضافه می‌کند یا سعی دارد، به همان نسخه نخستین از نقش پایبند باشد؟

برای من دقیقاً چنین اتفاقی افتاده است به گونه‌ای که نه تنها خودم بلکه سایر همکاران و دیگر دوستان متوجه تغییرات شدند و بیان کردند. جدا از این که به مرور زمان و با اجرای مکرر، بازی‌ها رشد پیدا می‌کند، آگاهی و درکش از متن بیشتر می‌شود، من خودم نسخه‌ای دیگر از نقش را تجربه کردم که احساس کردم صحیح‌تر است. در این مدت که تمرین داشتیم، طبقاً متن را بهتر حفظ کرده بودیم و نیازی نبود کل ۹۰ صفحه دیالوگ را حفظ کنیم، زیرا متن طولانی و پرحرفی بود. تمام اعضای گروه به خوبی متن را درک کرده بودند و من نیز واقعاً از آن‌ها یاد گرفتم. در این دوره‌ی تمرینات، کمتر روی میزانشن و لحن کار کردیم و تصمیم گرفتیم بیشتر بر ابعاد مختلف کاراکترها و مواجهه آنها با مسائل کار کنیم. کاراکتر شیرین در نسخه قبلی بیشتر در نقش میانجی و آشتی دهنده و به نوعی آرام‌کننده اوضاع ظاهر می‌شود اما در این نسخه ما شاهد واکنش‌های او نسبت به دروغ‌هایی که برملا می‌شوند هستیم. مجید و داریوش نیز معتقد بودند که بعضی مواقع باید نوسانات خلقی شخصیت بیشتر باشد و بالا و پایین برود، و نقش احمد بیشتر حالت طلبکاری داشته باشد اما نه به صورت داد و بیداد و بی‌احترامی. بنابراین هر بازیگر تلاش کرد جزئیاتی را در نقش خود تغییر دهد اگرچه این تغییرات بسیار جزئی است، اما بسیار واضح و کاربردی بود. بچه‌ها نیز به این موضوع اشاره داشتند و به نظر می‌رسد که برای مخاطبان نیز این «شیرین» پخته‌تر و باورپذیرتر بود. در نهایت معتقدم وقتی که با یک تیم حرفه‌ای کار می‌کنید و اثر قرار است بازتولید شود، باید بیشتر روی جزئیات کار کرد، چون کلیات را همه می‌دانند و با دو سه جلسه مرور متن، کلیت حفظ می‌شود.

تلاش می‌کنم در آن لحظه حضور داشته باشم و آن کار را در قالب آن نقش انجام دهم. اما این کاراکترها ناخودآگاه در زندگی شخصی‌ام تأثیر می‌گذارند مثلاً بازی در دور اول نمایش محیط زیست باعث شده بود لحن حرف زدنم در خانه کمی طلبکارانه و پرخاشگرانه باشد، اما وقتی از سر کاری به کار و صحنه دیگر می‌روم و دیالوگ کاراکتر دیگری را در موقعیتی متفاوت بیان می‌کنم برایم کاملاً متفاوت و تفکیک شده است. البته این تفاوت به شرایط نقش، موقعیت، گریم و لباس هم مرتبط است و طبیعتاً لباس‌ها و گریم‌های متفاوت باعث می‌شود که فضای بازی و لحن متفاوت باشد و این تفاوت‌ها به شکل ناخودآگاه فضای متفاوتی برای هر نقش ایجاد می‌کند. همچنین ریزه کاری‌هایی مانند نوع ایستادن و مدل راه رفتن به تفکیک نقش‌ها کمک می‌کند.



شروور پیروانی
بازیگر:

به درد همه ما می‌خورد

این نقش چه اهمیت و جایگاهی در کارنامه بازیگری شما در تئاتر دارد؟

اجرای این نمایش، چه در دوره قبلی که تقریباً یک سال و نیم پیش روی صحنه رفت و چه اکنون، نه تنها برای من بلکه برای همه ما جایگاهی ویژه دارد و به نوعی به همه ما در بازی کاراکترها کمک می‌کند. دلیل اصلی این موضوع، استحکام و قوام خود نمایشنامه است؛ به نظر من به اندازه‌ای خوب، دقیق و درست چیده شده که جذابیت خاصی به تمامی کاراکترها بخشیده است. نمی‌دانم خودم تا چه حد موفق بوده‌ام، اما اگر از من بخواهند بین کارهایی که تاکنون انجام داده‌ام انتخاب کنم، قطعاً «محیط زیست» را انتخاب خواهم کرد. زیرا فکر می‌کنم آن اتفاقی که باید در تمام کارها

رنالستی یک مدل

مستقل است که شما در همه این مدیوم‌ها ارائه می‌کنید؟

فکر می‌کنم کلیت این سبک بازیگری یکسان است ولی در تئاتر به دلیل فاصله بیشتر مخاطب طبیعتاً حجم صدا کمی بیشتر و ویژگی‌های اجرایی کمی متفاوت است. بازی در تئاتر نسبت به تصویر کمی بزرگ‌تر است اما من شخصاً سعی می‌کنم موقعیت را درک کنم و آنچه فرد در آن موقعیت انجام می‌دهد را به ساده‌ترین شکل ممکن اجرا کنم.

وقتی چند پروژه همزمان در تئاتر، سینما و سریال داشته باشید فرایند تفکیک کاراکترها چگونه انجام می‌شود؟

این سوالی سخت است. من شخصاً تاکنون در ۱۵ یا ۱۶ سال بازیگری‌ام هیچ‌گاه دو پروژه همزمان انجام نداده‌ام؛ اما الان درگیر این موضوع هستم و هم در یک سریال و هم در یک تئاتر فعالیت دارم. من معمولاً نقش یا هر سکانس را می‌خوانم و سعی می‌کنم بفهمم آن سکانس در آن روز چه می‌خواهد. یعنی آن شخصیت در آن لحظه چگونه است؛ مثلاً ممکن است در آن موقعیت قرار باشد به مهمانی برود یا موضوع خاصی اتفاق بیفتد و من

